

The History of Shiite and The Elements of its Spreading in Gilgit and Baltistan

*Hosein Abdolmohammadi*¹ | *farmanali farmanali*²

Received: 2021/07/23 | Accepted: 2021/03/08

(DOI): [10.22034/SKH.2022.10432.1193](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.10432.1193)

Abstract

Original Article
P 71 - 94

Gilgit-Baltistan is located in northeastern Pakistan. And geographically, it is located between China, India and Pakistan. Therefore, it has a special strategic position. Seventy-five percent of the state's population is Shiite. Shiism was introduced, established and spread by Iranian missionaries and scholars in the late eighth century. Shiites are present in all cities of this state, except Diamar city, and Shiites in this state have been spread by local scholars and missionaries, as well as local poets and rulers. Beit (AS) in the state of Golgotha and Baltistan in this state is studied and analyzed. To achieve this, a descriptive-analytical method has been used. Religious scholars entered this province in different periods, including Iran and Kashmir, and played an important role in spreading the teachings of the Ahl al-Bayt (AS). Also, local religious scholars who were mainly graduates of the seminaries of Najaf and Qom. They have played an important role in spreading the teachings of the Ahl al-Bayt (AS). Mosques, schools and seminaries, and Husseinayahs and symbols represent a corner of the services of great scholars.

Keywords: Shiism, Golgotha, Baltistan, Ahl al-Bayt, and religious scholars.

1 - Associate Professor of Higher Education Complex of Islamic History, Tradition and Civilization of the Mostafa International Society (PBUH) Qom, Iran, Hoseinmohammadi31@yahoo.com.

2 - PhD student in the history of the Ahl al-Bayt (AS) Islamic History and Civilization Complex, Al-Mustafa (PBUH) Society of Qom, Iran, farman.shigari@gmail.com.



نقش عالمان دینی در گسترش معارف اهل بیت (ع) در ایالت گلگت و بلتستان

حسین عبدالمحمدی (نویسنده مسئول)^۱ | فرمان علی سعیدی شگری^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2022.10432.1193

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۹۴/۷۱

چکیده

ایالت گلگت و بلتستان در شمال شرقی پاکستان قرار گرفته است و از لحاظ جغرافیائی، میان کشورهای چین، هند و پاکستان قرار دارد. از این جهت جایگاه خاصی از حیث سوق الجیشی دارد و هفتادوپنج در صد جمعیت این ایالت را شیعیان تشکیل می‌دهند. تشیع در اواخر قرن هشتم توسط مبلغان و علماء ایرانی وارد، تثبیت و گسترش یافته است. شیعیان در تمامی شهرستان‌های این ایالت، به جز شهرستان دیامر حضور دارند و شیعه در این ایالت توسط علماء و مبلغان بومی و همچنین شعراء و حاکمان محلی نیز گسترش یافته است. در این تحقیق نقش عالمان دینی در انتقال اسلام ناب محمدی (ص) و گسترش معارف اهل بیت (ع) در ایالت گلگت و بلتستان بررسی و تحلیل می‌شود. برای نیل به این مهم از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. عالمان دینی در ادوار مختلف در جاهای مختلف، از جمله ایران و کشمیر وارد این ایالت شدند و برای گسترش معارف اهل بیت (ع) نقش مهمی ایفا نمودند. همچنین عالمان دینی بومی و محلی که عمدتاً از فارغ‌التحصیلان حوزه‌های علمیه نجف و قم بودند در گسترش معارف اهل بیت (ع) نقش بسزای داشته‌اند. مساجد، مدارس و حوزه‌های علمیه و حسینیه‌ها و نمادها گوشه‌ای از خدمات علمای بزرگ را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: تشیع، گلگت، بلتستان، اهل بیت و عالمان دین.

۱. دانشیار گروه تاریخ، جامعه المصطفی (ص) العالمیه قم، قم، ایران، Hoseinmohammadi31@yahoo.com

۲. دکترای تاریخ اهل بیت علیهم السلام، جامعه المصطفی (ص) العالمیه قم، قم، ایران، farman.shigari@gmail.com



مقدمه

منطقه گلگت و بلتستان جزو شبه‌قاره هند است که از نظر سوق‌الجیشی و جغرافیای سیاسی منطقه‌ای مهم و استراتژیک به حساب می‌آید. این سرزمین بعد از قطب‌بزرگ‌ترین یخچال‌های طبیعی جهان را داراست و بلندترین مناطق جنگی جهان و دنیا در منطقه سیاجن گلگت و بلتستان واقع شده است.

بلندترین قله جهان «چهوگو ری» که دومین قله جهان است، در این منطقه واقع شده است. گلگت و بلتستان در دامنه سلسله کوه‌های هیمالیا و قراقرم قرار گرفته است و در واقع نقش پل ارتباطی بین کشور چین، پاکستان و هندوستان را ایفاء می‌کند. به خاطر وجود بلندترین قله‌های جهان و مکان‌های گردشگری در این منطقه سالانه هزاران نفر از سراسر جهان برای کوه‌پیمایی و گردشگری به این منطقه سفر می‌کنند.

از نظر فرهنگی، اسلام از قرن هشتم هجری قمری، در این منطقه نفوذ پیدا کرده است و امروزه سکنه این منطقه را صد درصد مسلمانان تشکیل می‌دهند. به‌علاوه این سرزمین از مناطق شیعه‌نشین محسوب می‌شود و حدود هفتاد و پنج درصد ساکنان این منطقه را شیعیان تشکیل می‌دهند. دولت فدرال پاکستان در دهه اخیر اهمیت ویژه برای این منطقه قائل شده است. این تحقیق بر آن است پیشینه تشیع در گلگت و بلتستان و عوامل گسترش آن را در این منطقه مورد بررسی قرار دهد.

۱. مفاهیم

۱.۱. بلتستان

بلتستان در دامنه رشته کوه قراقرم و هیمالیا واقع شده است. این ناحیه با مساحت ۲۰۵۲۶ کیلومتر مربع، مطابق سرشماری سال ۲۰۱۵ م، دارای نه صد نفر جمعیت است. (حسین آبادی، ۲۰۰۹، الف: ۴)

از لحاظ انتظامی و اداری، بلتستان به چهار ناحیه بنام شگر، کهرمنگ، سکردو و گنگچھی تقسیم شده است. سکردو مرکز تجاری و نیز پل ارتباطی با دیگر مناطق بلتستان به حساب می‌آید. در جنوب بلتستان دره کشمیر و در شرق آن لداخ و پوریک «کرگل» و در غرب آن منطقه گلگت و دیامر واقع شده است و در شمال بلتستان کوه‌پوشیده از برف کوه قراقرم، بلتستان را از ایالت سنکیانگ چین جدا می‌کند. (حسرت، ۱۹۹۵: ۲۴) بلتستان مجموعاً از شش دره ۱. دره

سکردو ۲. دره شگر ۳. دره روندو ۴. دره خپلو ۵. دره کهرمنگ ۶. دره شنگوشگر (گلتری) تشکیل شده است.

۱.۲. گلگت

این منطقه در شمالی‌ترین نقطه پاکستان و هم مرز با چین و افغانستان است. این منطقه مانند بلتستان، کوهستانی است و از ۱۴۵۴ متر تا ۴۷۳۳ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. گلگت از پنج دره مرکز گلگت، ۲. حراموش ۳. بگروت ۴. هنزه ۵. نگر تشکیل شده است. بر اساس تقسیمات اداری جدید منطقه گلگت و بلتستان به نه شهرستان ۱. غذر ۲. دیامر ۳. گلگت ۴. سکردو ۵. گنگچه ۶. شگر ۷. کهرمنگ ۸. نگر ۹. استور تقسیم گردیده است. منطقه بلتستان تا قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) از نعمت اسلام محروم بود. در اواخر این قرن مبلغانی از ایران به این منطقه آمدند و مردم این منطقه همه به دست آنها مسلمان شدند. (حسین آبادی، ب: ۴۶-۴۷)

۲. گونه های تشیع در گلگت و بلتستان

بطور کلی در منطقه گلگت و بلتستان فرقه‌های امامیه اثناعشریه، اسماعیلیه و نوربخشیه حضور دارند. در زیر جزئیات بیشتری از هر فرقه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- اثناعشریه

اصطلاح امامیه بطور عام به تمام فرقه‌هایی گفته می‌شود که به امامت بلافصل علی بن ابی طالب (ع) معتقد هستند. اما بطور خاص اصطلاح امامیه تنها بر شیعه اثنی عشری اطلاق

3. Haramush.

4. Bagroot.

5. Nagar.

6. Honza.

7. Ghizer.

8. Diamar.

9. Gilgit.

10. Skardu.

11. Ghangchah.

می‌شود. (مشکور، ۱۳۸۵: ۱۴۷) شیخ مفید در تعریف امامیه می‌فرماید: امامی مذهب کسی است که وجوب امامت و وجود آن در هر زمانی باور داشته باشد. نص جلی بر امام و عصمت و کمال را برای او واجب بدانند. تداوم و انحصار امامت در فرزندان امام حسین (ع) معتقد و سلسله امامت را به امام رضا (ع) پیوند زدند زیرا همه شیعیانی که استمرار سلسله امامت شیعی را تا امام رضا (ع) باور دارند. پس از او تداوم آن تا امام دوازدهم یعنی امام مهدی (عج) نیز معتقدند. (شیخ مفید، ۱۳۸۲: ۳۸)

۲- نوربخشیه

نوربخشیه منسوب به سید محمد نوربخش است. لفظ نوربخش یا مصدر است به معنای روشنایی و نور و یا اسم فاعل به معنایی روشن کننده است چنانچه در فرهنگ فارسی، نوربخش بمعنای روشنی دهنده و روشنی بخشانده آمده است. (معین، ج: ۶: ۲۱۵۲) در لغت نامه دهخدا نیز نوربخش، بمعنای نور پاشی و پرتو افکنی آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۳، ج: ۱۵: ۲۲۸۲۷) در فرهنگ فشرده نیز نوربخش، روشنی دهنده و روشن کننده معنا شده است. (انوری: ۲۴۹۶)

سید محمد نوربخش نیز به همین معنی اشاره کرده است:

ز آفتاب علم خود ای نوربخش ره روان راه خود را نوربخش.
نوربخشی روح بخشی کار تست چشم ما پر نور از دیدار تست.

(نوربخش، ج: ۲: ص ۴۰۲)

نوربخش به معنای اسم مفعول یعنی روشن شده و نور یافته نیز آمده است. شعری به این معنی در زبان فارسی آمده است:

آمده از غیب نامش نوربخش چون بود خورشید ذاتش نوربخش
(لاهیجی، ۱۳۶۸: ۷)

البته ممکن است نوربخش در این بیت به معنای اسم فاعل به معنای روشن کننده نیز باشد.

نوربخشیه در اصطلاح

نوربخشیه مانند مذاهب دیگر یک نام توصیفی برای مذهب امامیه صوفیه معروف به نوربخشیه است. سید شاه قاسم فیض بخش فرزند سید محمد نوربخش در باره نام مذهب نوربخشیه می‌گوید: الامامیه الصوفیه المعروف بالنوربخشیه؛ نام مذهب امامیه صوفیه معروف به نوربخشیه است. (فیض بخش: ۱۰۲-۱۱۲-۱۱۶) مصطفی شبیبی، درباره اصطلاح نوربخشیه می‌نویسد: نوربخشیه یکی از مذاهب اسلامی به شمار می‌رود. و این اصطلاح نوربخشیه اسم

خاص پیروان سید محمد نوربخش گردیده است. و نام طریقت خاص او است؛ همانند حروفیه و مشعشیه و بکتاشیه که هم به اعضاء فرقه اطلاق می شود، هم به عقاید فرقه. (شیبی ۱۳۸۰: ۳۲۱) نوربخشیه به کسانی اطلاق می شود که از مبانی علمی، اعتقادی و فقهی سید محمد نوربخش پیروی می کنند. و روش اجتهادی او را قبول دارند چنانچه او بدون کم و زیاد احکام شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت را به طالبان حق راهنمایی فرموده است. (صوفی: ۲۲۶) بنابر این طبق اظهارات وی مسلک علمی، عملی، کلامی و فقهی همان مسلک علمی و عملی پیامبر اکرم و امامان معصوم می باشد.

نوربخشیان به سه گروه تقسیم می شوند:

۱. صوفیه امامیه نوربخشیه: اکثریت نوربخشیان را این گروه تشکیل می دهند که خودش را نوربخشیه واقعی می دانند، طبق تحقیقات و مستندات نوربخشی امامیه عقیده شان مثل عقیده شیعه اثناعشریه هستند. در فقه هم بین دو فرقه شیعه اثنا عشریه و صوفیه امامیه نوربخشیه اختلافات زیادی وجود ندارد. فقط در مسائل جزئی کمی اختلاف وجود دارد. مرکز نقل این گروه یعنی صوفیه امامیه نوربخشیه در منطقه خپلو به ویژه در منطقه کریس قرار دارد
۲. صوفیه نوربخشیه: صوفیه نوربخشیه کسانی هستند که به نام صوفیه معروف اند، آنها به افکار و عقائد نوربخشیه چندان پایبند نیستند. اکثر آنان به مدارس اهل سنت و اهل حدیث رفته و درس خوانده اند و در بیشتر در مدارس دولتی مشغول فعالیت هستند. این گروه از سال ۱۹۸۰م، به بعد به شدت تحت تاثیر افکار فعالان مذهب وهابیت قرار گرفته اند. این گروه نوربخشیه را به وسائل گوناگون سعی دارند که اساس و اصول و فروع نوربخشیه را تحریف کنند، و عقاید نوربخشیه را نیز تحریف نموده اند. بیشتر آنها در اصل سنی هستند، ولی در لباس نوربخشی بر علیه نوربخشیه تبلیغ می کنند. (موسوی، ۲۰۰۱ص ۱۰۱)
- ۳- نوربخشیه امامیه همدانیه. این گروه از افکار سید منصور تأثیر گرفته اند و جمعیت شان زیاد نیست و در مناطق مختلف پراکنده هستند. (همان: ۱۰۲)

۳- اسماعیلیه

آنان کسانی بودند که اسماعیل بزرگترین فرزند امام صادق (ع) را که در زمان حیات پدر درگذشت، امام دانستند، و به فرقه‌هایی تقسیم شدند که برخی منقرض گردیدند و برخی تا زمان حاضر همچنان باقی‌اند. در سال ۱۲۵۵ هجری، آقاخان محلاتی که از نزاریه بود. در ناحیه‌ی

کرمان برضد محمد شاه قاجار قیام کرد، ولی شکست خورد و به بمبئی هندوستان گریخت، و دعوت نزاری را به امامت خود منتشر ساخت و از آن پس نزاریه به آقاخانیه شهرت یافته‌اند. و مخالفشان در هند آنان را خوجه یا خجاس می‌نامند. آقاخانیه برعکس «بهره» به مراسم عبادی و دینی چندان اهمیت نمی‌دهند (گلپایگانی: ۹۶ و ۶۸) و حدود ۲۶ درصد جمعیت گلگت را آقاخانیه‌ها تشکیل می‌دهند.

۳. پراکندگی جغرافیایی شیعیان

مناطق شمالی گلگت و بلتستان به نه شهرستان ۱- غذر، ۲- دیامر، ۳- گلگت، ۴- سکردو، ۵- گنگچه، ۶- شگر، ۷- کهرمنگ، ۸- استور، ۹- نگر تقسیم گردیده است. در این نه شهرستان چهار گروه مذهبی وجود دارند که تعداد هر گروه از یک منطقه به منطقه دیگر تفاوت می‌کند.

در شهرستان غذر: شیعه اسماعیلی، ۸۷ درصد.

در شهرستان دیامر: شیعه اثناعشری، ۱۰ درصد.

گلگت: شیعه اثناعشری، ۵۴ درصد، شیعه اسماعیلی، ۲۷ درصد.

سکردو: شیعه اثناعشری، ۸۷ درصد، نوریخشی، ۵ درصد.

گنگچه: نوریخشی، ۸۷ درصد و شیعه اثناعشری، ۵ درصد می‌باشد.

استور: شیعه ۳۰ درصد.

شگر: شیعه ۹۵ درصد.

کهرمنگ: شیعه ۱۰۰ درصد.

طبق آمار بدست آمده تناسب چهار گروه مذهبی در کل مناطق شمالی گلگت و بلتستان چنین ذکر شده است: شیعه اثناعشری، ۳۹ درصد، اهل سنت و جماعت، ۲۷ درصد، شیعه اسماعیلی، ۱۸ درصد، و شیعه نوریخشی، ۱۶ درصد می‌باشد. مناطق شمالی گلگت و بلتستان متمکزترین مناطق شیعه‌نشین در کل پاکستان به شمار می‌آید. در بعضی مناطق مانند روندو، گلتری، کهرمنگ در بلتستان و نگر در گلگت صددرصد شیعه‌نشین هستند. در سکردو، مرکز بلتستان نیز اکثریت قاطع بین ۸۰ تا ۸۵ درصد جمعیت را شیعیان تشکیل می‌دهند (عارفی، ۱۳۸۴: ۱۲۴ و ۱۲۵).

نقش علماء در گسترش تشیع در گلگت و بلتستان

بخاطر اینکه ایالت گلگت و بلتستان در مجاورت کشمیر قرار گرفته است. در قرن هشتم در

کشمیر که در شمال شبه قاره هند حکومت به دست مسلمانان بوده است و شرایط فرهنگی و فکری به نفع مسلمانان و شیعیان بوده است و مسلمانان و شیعیان بدون هیچ مشکلی فعالیت های فکری و فرهنگی انجام می دادند و عالمان دینی از این فرصت استفاده نمودند و برای گسترش معارف اهل بیت(ع) سعی و تلاش کردند.

علماء و فقههای منطقه گلگت و بلتستان را به دو گروه می توان تقسیم کرد:

الف: بعضی از علماء منطقه که اولین مبلغان اسلام و تشیع محسوب می شوند، غیر بومی بودند، اینها اکثرشان از ایران و کشمیر بودند و از راه های مختلف و صعب العبور وارد منطقه شده بودند. رفت و آمد مبلغان و علمای غیر بومی تا اواخر قرن هفدهم میلادی ادامه داشت. در اوائل قرن هجدهم میلادی، بخاطر شورش های سیاسی در ترکستان راه ترکستان قطع شد. از آن زمان به بعد مبلغان دین اسلام از طرف کشمیر وارد منطقه شدند. در آن زمان بسیاری از مشایخ و علمای ایران به دربار مقبوض حاکم بلتستان راه پیدا کردند. این روند تا سال ۱۸۸۰م، ادامه داشت. (حسین آبادی، ۲۰۰۴: ۲۴) .

براساس منابع موجود این حرف مسلم است که اسلام در تاریخ مذکور به این منطقه وارد شده است و در این مقاله از منابع کهن و قدیمی استفاده شده است. لذا نیازی به پشینه تحقیق و موضوع مأخذ شناسی ندارد. شواهد میدانی از جمله کتیبه ها و آثار باستانی از جمله مساجد قدیمی و... نیز وجود دارد. ذکر این نکته مهم و ضروری است که منابع تاریخی ایالت گلگت و بلتستان عمدتاً از سه راه قابل دسترسی است.

۱- تاریخ شاهان و حکومت های هند و کشمیر: در زمان گذشته ایالت گلگت و بلتستان جز کشور هند بوده است و در ادوار مختلف حاکمان هندی و کشمیری این ایالت را تحت تصرف خود آورده بودند، در لابلای زندگی نامه شاهان و حاکمان هندی و کشمیری، از گلگت و بلتستان هم یاد شده است لذا در تمام کتابهای که درباره حاکمان هندی نوشته است اسم گلگت و بلتستان آمده است. همانند اکبر نامه و شاهجان نامه و ...

۲- سفرنامه ها: یکی از منابع تاریخی ایالت گلگت و بلتستان سفر نامه ها است که توسط گردشگران و جهانگردان به رشته تحریر در آمده که در این سفر نامه وضعیت جغرافیائی، فرهنگی و سیاسی این ایالت ذکر شده است. همانند کتاب "ما الهند" ابو ریحان بیرونی، سفر نامه ابن بطوطه و فایهان چینی.

۳- کتاب های محلی و بومی: کتاب های زیادی درباره اوضاع جغرافیائی، اقتصادی و فرهنگی

این ایالت نوشته شده است، همانند کتابهای "تاریخ جمون" مولوی حشمت الله لکهنوی "تاریخ بلتستان" حسین یوسف آبادی، "بلتستان تهذیب و ثقافت" محمد حسن حسرت، "اسلام در گلگت" غلام حسین انجم، "تاریخ گلگت" پرفسور احمد دانی.

علمای غیر بومی منطقه بلتستان

علمای غیر بومی منطقه بلتستان، که برای تبلیغ و نشر و گسترش دین اسلام به این منطقه سفر کردند عبارت اند از:

۱. میر سید علی همدانی

سید علی همدانی در پانزدهم رجب سال ۷۱۴ه، ق، مصادف با اکتبر سال ۱۳۱۴م، در شهر همدان ایران به دنیا آمد. پدر سید علی همدانی و مادر گرامی‌شان از دو طرف حسینی بودند، نام پدر سید علی همدانی شهاب‌الدین بود. و از جانب والده نسبش به پیغمبر اکرم (ص) می‌رسید. نام مادر ایشان سیده فاطمه بود. سید علی همدانی بدست علاؤالدوله سمنانی پرورش یافت و در سن کودکی حافظ قرآن کریم شد. از شیخ سمنانی علوم ظاهری و باطنی کسب می‌نمود. تا اینکه شیخ سمنانی برای سیروسلوک و پرورش و تربیت به شیخ اصغر علی سمنانی سپرد.

مدت زیادی سید علی همدانی پیش علی دوستی و شیخ محمود گذارند. در این مدت هشت ساله را ایشان برای بدست آوردن ریاضت سخت پشت سرگذشت با حکم شیخ محمود مزدقانی سید علی همدانی سیاحت و گردش عالم را قصد نمود، تا روزهای واپسین عمر خود برای سیر و سیاحت و جهانگردی و صحرا نوردی گذارند. در دوران مسافرت ایشان با چهار هزار اولیاء کرام ملاقات کرد، و از این اولیاء کسب فیض و برکات حاصل نمود، در میان جهانگردی و صحرا نوردی ایشان بارها با غول بیابانی گرفتار شدند، چنانچه خود ایشان می‌گوید: «بس ابتلا بما رسید در سفر و در حضر بعضی از آن ابتلا به سبب علماء و فقهاء رسید و بعضی به سبب ملوک و امراء و بعضی شاید که به سبب شرور نفس ما باشد. و آن بلاها از حضرت حق تعالی بر ما محض عطا بود اگرچه بصورت بلا نمود. زهر دادند و حق تعالی از مرگ نگاهداشت و لیکن اثر آن در تن باقی است (شوشتری، همان، ج ۲: ص ۱۳۹ و ۱۴۲) با طاغوت‌های غیر مسلمان در دوران سفر برخورد کرد در کشمیر با هندوها و در بلتستان با رئیس بودایی‌ها برخورد کرد و بارها توسط علمای سوء مورد دشنام و فحاشی قرار گرفت، سید علی در سیر و سفر و سیاحت پیروزی عظیم را بدست آورد. در این دوران حدود سه هزار هندوی کشمیری را مسلمان کرد، دوازده بار مشرف

به حج بیت الله شد، در این مناطق در دوران حج به تبلیغ دین اسلام پرداخت در دوران تبلیغ مردم مناطق مزدقان، ختلان، بلخ، بدخشان، روم، ماوراءالنهر، سری لنکا، هندوستان، کشمیر، چین، بلتستان را به دین اسلام دعوت کرد.

سید علی همدانی برای اولین بار در سال ۷۷۴ هجری قمری، ۱۳۷۲ م، به کشمیر رسید بعد از مدتی تبلیغ و ارشاد به ایران بازگشت و برای دومین بار و سومین بار در سال ۷۸۱ هجری قمری، ۱۳۷۹ م، وارد کشمیر شد و در سال ۷۸۱ ه.ق، ۱۳۸۱ م، وارد بلتستان شد، از بلتستان از دره سیان به ترکستان رفت، بعد از سیاحت و تبلیغ در مناطق ترکستان در سال ۷۸۵ هجری قمری، ۱۳۸۳ م، دوباره وارد بلتستان شد، بعد از اقامت مختصر در بلتستان به سمت کشمیر به عزم حج بیت الله حرکت کرد.

در سن هفتاد و سه سال دار فانی را وداع گفت. و بنا بر گفته محققان تاریخ وفات ایشان ششم ذی الحجه سال ۷۸۶ هجری، ق، مطابق با ۱۳۸۴ م، در مقام «پکهی جان» بوده است. و بنا بر وصیت جنازه مبارکش را به ختلان منتقل کردند، بنا بر بعد مسافت و گرمی هوا مردم را گمان آن بود که بو می گیرد و چون تابوت را برداشتند تا مقصد بوی مشک به دماغ حاملان میرسد طیب الله مرقد. (شوشتری، همان: ۱۴۴) اگرچه درباره مسافرت میر سید علی همدانی به بلتستان را، مولوی حشمت الله رد می کند، اما دیگران می گویند که سید علی همدانی دوباره به بلتستان مسافرت نموده است و اسلام برای اولین بار توسط میر سید علی همدانی به منطقه بلتستان و سپس به منطقه گلگت رسیده است. خود مولوی حشمت الله (یک نویسنده معروف است و یک کتابی به نام تاریخ جمون نوشته است که حدود ۸۰۰ است که تاریخ بلتستان به صورت تفصیل نوشته است). او درباره گسترش اسلام در بلتستان نوشته ای به من داد که ایشان در آن می نویسد: میر سید علی همدانی با در دست داشتن یک عصا وارد کشمیر شد و به تبلیغ دین اسلام پرداخت بعد از آن وارد سرزمین سکردو شد در این منطقه مردم بخاطر تبلیغ و وعظ و نصیحت ایشان، اسلام را قبول نمودند و دین اسلام را بعنوان دین جدید خودشان پذیرفتند تا آنجا که سید علی همدانی در محله «کهری گرونگ» یک مسجد بنا نمود این مسجد اولین مسجدی است که در این مملکت (منطقه بلتستان) ساخته شده است بعد از آن ایشان در مقام گمبه سکردو یک مسجد جامع برای برپایی نماز جمعه و جماعت ساخت تا زمان راجه علی شاه نماز جماعت در این مسجد اقامه می شد، بعد از آن در موضع و مقام «کفچون» حسین آباد کنونی نماز جمعه اقامه می شد (حسین آبادی، ب، ۴۷)

از سید علی همدانی بعنوان اولین مبلغ اسلام در بلتستان یاد می‌کنند و اسلام توسط مبلغان ایرانی، همانند سید علی همدانی، سید محمد نوربخش و میر شمس‌الدین عراقی وارد منطقه بلتستان شده است. (همو: ۴۶)

در باره این موضوع میر نجم‌الدین ثاقب می‌نویسد:

چون دریای آن رحمت لایزال چنان موجزن شد ز فضل عمیم
بعهد مقیم خان شاه سلنگ ز هجرت دو میم و بیک ذال وجیم
طلوع شد خورشید اسلام همین علی ثانی آمد ز فضل کریم
ز کشمیر به تبت رسید آن ولی بدستش عصا بود برگلیم
بعهد مقیم خان شجاعت پلنگ علی ثانی آمد بسال نهنگ
به هشتاد و سه بود هفتم صدی ز هجرت به تبت رسید آن ولی
(حسین آبادی، الف: ۵۶)

در زمان بیگو مقیم خان حاکم و والی سلنگ (خپلو) میر سید علی همدانی به تبت یعنی بلتستان رسید و آن سال تبتی نهنگ بوده است، یعنی اسم آن سال به زبان تبتی نهنگ بوده است.

جناب وزیر احمد درباره ایشان می‌گوید: «در سال ۷۳۳ هجری، ق، سید علی همدانی وارد بلتستان شد، بعد از سکونت یک سال و نیم به منطقه یارقند رفت».

در ایام سلطنت سلطان قطب‌الدین در هفصد و هشتاد و سه و بعضی گفتند که سنه ثلاث و سبعین و سبع مائه آن حضرت به کشمیر رسیده بود والله اعلم و بعضی چنین گفته‌اند: جناب ولایت پناه هدایت دستگاه خلوت‌نشین زاویه لی مع الله.

معتکف صومعه فنا فی الله شاه مرید بقا بالله

حضرت علی ثانی امیر علی همدانی قدس الله تعالی روحه و ازدلنا فتوحه، بشرف قدوم، شریف خود مملکت کشمیر را مشرف گردانیده و کلاه گوشه قدر و منزلت اهالی این دیار را به اوج عزت و ذروره کرامت رسانید و سلطان قطب‌الدین به حضرت ایشان قدس‌الله سره، العزیز به تعظیم و تکریم هرچه تمام تر پیش آمد و اظهار قواعد اخلاص و اعتقاد نمود. (حیدری، ۱۶۱۴: ۲۶۶)

حضرت امیر کبیر سید علی همدانی به امیر تیمور گفت: «از جانب حق جل و علا مأمورم که به کشمیر روم و اهل آن دیار را به اسلام دلالت کنم، شاید که به اسلام مشرف گردند، بنابر این

روزی چند در ختلان مسکن گزیده‌ام». (کربلائی تبریزی، ج ۲: ۲۴۵)
سید علی همدانی صوفی شیعی مذهب بلکه از پیشگامان و بنیان گزاران تصوف تشیعی است. (اوزکانی: ۳۲)

۲. میر شمس الدین عراقی

چنانچه صاحب تحفه الاحباب در بارهٔ زمان و محل تولد میر شمس‌الدین عراقی می‌نویسد: نسب آن وی از قبائل شاهان صفویه که در ممالک عراق و امصار خراسان معروف مشهورند، بود. محل تولد وی در (کند) که نزدیک سولغان است واقع بود و در آن منزل مملوکات و متصرفات و مواطن و مسکن آبا و اجداد ایشان از قدیم می‌بود و پدر بزرگوار آنحضرت درویش ابراهیم نام داشت از جمله مریدان و مخلصان حضرت قطب‌الاقطاب امام همام امام محمد نوربخش علیه علی آبائه السلام بود. والده آنجناب از اولاد سادات قزوین بود و آن حضرت از حین طفولیت و صبی همراه پدر بزرگوار خود به خدمت حضرت امام علیه و علی آبائه السلام می‌آمد و به نظرات و اشفاق و مراحم و شرف دیدار و لقای آن حضرت مشرف می‌شد. انواع نصایح و مواعظ از زبان مبارک حضرت علیه السلام سماع می‌نمود و بعد از رسیدن آن حضرت بحد بلوغ روزی بطفیل جمعی از تائبان و متبایعت ایشان بشرف که طریقه ترک تعلقات امور دنیوی و تجرید از عوایق صوری پیش گرفته در حلقهٔ درویشان عالیشان حضرت امام علیه السلام و در دائرهٔ طریقه ایشان درآید و مجاور آستان خانقاه و ملازم خدمت درگاه آن جناب شود. فاما چون درویش ابراهیم معمرگشته و به کبرسن رسیده و خود معتکف و مجاور آستانه ملایک آشیانه حضرت امام علیه‌السلام شده. لاجرم آن حضرت از تجرید شدن و ترک کانه گفتن مانع آمد. (کشمیری: ۱۰۰ و ۱۰۱)

در عهد سلطان سکندر بود ایشان ساکن سرخاب، تبریز بود. (ناظم: ۳۹۸) البته بعضی از مؤرخان نسبت‌های ناروایی به میرشمس‌الدین عراقی دادند و گفتند ایشان در مذهب مردم کشمیر انحراف ایجاد کردند، ظاهر است که مقصودشان از «انحراف در مذهب مردم کشمیر» عرضه نمودن مذهب تشیع و شیعه شدن حاکمان کشمیر بوده است مانند کاجی‌چک و غازی‌چک که این‌ها بخاطر تبلیغ میرشمس‌الدین عراقی شیعه شده بودند، چون حاکم کشمیر مذهب اثناعشری را انتخاب نمودند، بر اساس الناس علی دین ملوکهم مردم هم شیعه شدند، شیعه شدن حاکمان و مردم برای برخی از نویسندگان خیلی گران شده است، خودشان هم می‌گویند: میرشمس‌الدین عراقی یک مبلغ شیعی بوده و برای گسترش تشیع سعی و تلاش می‌کرد. (ددمری کشمیری: ۱۲۲ و ۱۲۳)

میرشمس‌الدین عراقی، شاگرد سید شاه قاسم انوار بود که او پسر سید محمد نوربخش و خلیفه بود، میرشمس‌الدین عراقی برای اولین بار به عنوان سفیر استاندار خراسان سلطان حسین میرزا (۱۴۰۶) به کشمیر آمد، ایشان در سال ۱۳۹۲م، در کوهستان کین به دنیا آمد، مرید خواجه اسحاق شد که ایشان مرید سید علی همدانی بود. (آفاقی، ۲۰۰۱، ۱۰۴)

میرشمس‌الدین عراقی بعد از گسترش و نشر عقیده خودش در خراسان، عازم کشمیر شد تا عقیده خودش در کشمیر گسترش دهد. میرشمس‌الدین عراقی بعد از انجام کارهای تبلیغی در کشمیر سال ۱۴۹۹م، عازم منطقه سکردو شد، در آن زمان راجه مقبون بوخا حاکم سکردو بود. شمس‌الدین عراقی از سال ۱۴۹۹م، تا سال ۱۵۰۵م، در بلتستان برای اشاعت و گسترش اسلام سعی و تلاش نمود.

ایشان به تمام مناطق بلتستان سفر کرد. در سال ۱۵۰۵م، با کشته شد مدارالمهام سید محمد بیهقی در منطقه سرینگر به کشمیر بازگشت. (حسین آبادی، ب: ۲۴) شمس‌الدین در سال ۱۵۲۶م، درگذشت، جسد ایشان در منطقه زدی بل به خاک سپرده شد، شیعیان کشمیر احترام زیادی برای ایشان قائل هستند به اعتقاد قاضی نورالله شوشتری عقائد شیعه در کشمیر و بلتستان بخاطر تبلیغات شمس‌الدین عراقی گسترش یافته است، البته میرشمس‌الدین عراقی در امر تبلیغ در بلتستان موافق تر بوده است. (آفاقی، همان: ۱۰۸)

در عهد سلطان حسن شاه میرشمس‌الدین عراقی، از فضایی اهل تشیع عالم اجل و دانایی بی بدل بود، از جانب سلطان حسن شاه میرزا والی خراسان به کشمیر آمده مکتوبی از سلطان معه یک پوستین کهنی که از پوشش خاص سلطان بود برای حسن شاه آورده و اظهار فرمایش بعضی تحایف نمود. (کهویائی، ج: ۱، ۲۲۹ و ۲۳۰)

کاجی چک که خالوی محمد شاه و مدارالمهام سلطنت بود.

به اتفاق غازی خان و ملک موسی رینه رجوع به شمس‌الدین عراقی نموده و به مذهب او گردیدند و مطیع و منتقاد او شد و شمس‌الدین عراقی با اطاعت آنها تقویت یافته به اجرای مذهب خود علانیه مشغول شد، کتابی احوط نام در مذهب شیعه تصنیف کرده شایع ساخت. (همو، ۴۳۱)

میرشمس‌الدین عراقی بعد از گسترش و نشر عقیده خودش در خراسان، عازم کشمیر شد تا عقیده خودش در کشمیر گسترش دهد. میرشمس‌الدین عراقی بعد از انجام کارهای تبلیغی در کشمیر سال ۱۴۹۹م، عازم منطقه سکردو شد، در آن زمان راجه مقبون بوخا حاکم سکردو بود. شمس‌الدین عراقی از سال ۱۴۹۹م، تا سال ۱۵۰۵م، در بلتستان برای اشاعت و گسترش اسلام

سعی و تلاش نمود.

ایشان به تمام مناطق بلتستان سفر کرد. در سال ۱۵۰۵م، با کشته شدن مدارالمهام سید محمد بیهقی در منطقه سرینگر به کشمیر بازگشت. (حسین آبی، ب، همان: ۲۴). شمس‌الدین در سال ۱۵۲۶م، درگذشت، جسد ایشان در منطقه زدی‌بل به خاک سپرده شد، شیعیان کشمیر احترام زیادی برای ایشان قائل است. به اعتقاد قاضی نورالله شوشتری عقائد شیعه در کشمیر و بلتستان بخاطر تبلیغات شمس‌الدین عراقی گسترش یافته است، البته میر شمس‌الدین عراقی در امر تبلیغ در بلتستان موافق‌تر بوده است. (آفاقی، همان: ۱۰۸)

۳. سید حسین رضوی قمی

سید حسین رضوی فرزند سید محمد قمی بوده است وی در سال ۸۲۱ هجری قمری از طریق پاکستان کنونی وارد کشمیر شد، ایشان حدود پنجاه سال به سعی و تلاش برای گسترش اسلام و نشر مذهب اهل‌بیت (ع) در کشمیر، تبت، بلتستان، لداخ و کرگل مشغول بوده است. (رضوی، ۱۳۸۴، ص ۷۵)

۴ و ۵. برادران طوسی: (شاه ناصر طوسی و سید علی طوسی).

طبق روایات محلی این دو برادر در سال ۱۵۵۰ تا سال ۱۵۹۰م، از شهر طوس ایران به اشاره غیبی امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) به این منطقه آمدند، این دو سید بزرگوار از نسل امام رضا (ع) بودند از این جا معلوم می‌شود که اینها شیعه بودند. برادران طوسی در زمان راجه بیگو از راه یارقند چین و از راه سلترو به منطقه خپلو رسیدند و در منطقه تهگس سکونت اختیار نمود و به تبلیغ مذهب اهل‌بیت (ع) مشغول شدند. (لکهنوی، ۱۹۷۷: ۵۹۲)

میر نجم‌الدین در باره ورود این دو برادر می‌گوید:

| | |
|--------------------------|-------------------------|
| از آن بعد بزرگی از کاشغر | سال دو تا و یک طا و جیم |
| بیاید ز راه سلترو همی | برای اشاعت، دین کریم |
| همی کرد تاکید بر امر دین | بتعمیر مسجد بر شوق عظیم |
| کننده بنای جامع شگر | همی شاه ناصر اسمش کریم |

تحت حکومت چو دبله خان نمود جلو رسم شاه قدیم. (حسین آبادی، ب: ۲۸)

آنان در منطقه تهگس یک مسجد بنا نمودند و به طرف منطقه شگر رفتند و در آنجا یک مسجد بزرگ را ساختند و مردم را با احکام و معارف اسلام آشنا نمودند. سید ناصر طوسی در

محلّه داسو نید(طاهر آباد) اقامت گزید و ایشان در کوهی که در بالای محله بود، عبادت می کردند. بعد از مدتی در همان کوه غایب شد، اما سید علی طوسی از شگر به سکردو آمد و در این منطقه مشغول تبلیغ شد و در منطقه کواردو اقامت گزید. او در کواردو یک مسجد بزرگ بنا نمود. در حال حاضر این مسجد موجود است. او در سال ۱۰۸۰ هجری، در همین منطقه از دنیا رفت و در کنار مسجد دفن شد. الآن قبر مبارک این سید بزرگوار زیارت گاه مردم بلتستان می باشد. (کشمیری: ۱۱۵)

۶. میر دانیال شهید

ایشان فرزند میر شمس الدین عراقی بود که مدتی در بلتستان اقامت گزید، در سال ۹۵۲ ه.ق، مصادف با ۱۵۴۵ م، میرزا حیدر کاشغری نوربخشیان را قتل عام کرد. در آن زمان ایشان در سکردو مقیم بود، میرزا حیدر ایشان را فراخواند و زندانی کرد و در سال ۹۷۵ ه.ق / ۱۵۵۰ م، ایشان را شهید کرد. (نوربخشی، ۱۹۹۲: ۸۱)

۷ و ۸. سید محمود و سید حیدر علی:

طبق روایات محلی سید محمود و سید حیدر علی (دو برادر) دیگر برادران طوسی بودند. آستانه سید محمود در محلّه کשובاغ سکردو وجود دارد. سال وفات ۸۰۸۰ ه.ق، ۸۸۰ ه.ق نوشته شده است/ مزار سید حیدر علی در روستای قمره وجود دارد، سال وفات نوشته نشده است. (همو: ۱۱۶)

۹ و ۱۰. میر عارف و میر ابوسعید:

بعد از بسته شدن راه ارتباطی بین بلتستان و ترکستان چین علماء و فضلاء از طرف کشمیر وارد بلتستان می شدند. این دو برادر بزرگوار از اخلاف میر شمس الدین می باشند. مورخ بلتستان جناب پروفیسر یوسف حسین آبادی می گوید: «درمیان سال های ۶۵، ۱۷۱۵ م، از کشمیر دو برادر میر عارف و ابوسعید به منطقه خیلو وارد شدند، میر عارف در تهگس و ابوسعید در کریس اقامت گزینند. در این مکان مسجد جامع درست کردند». (حسین آبادی، ب: ۴۸) مسجد ساخته شده توسط میر عارف هنوز هم وجود دارد آن یک مسجد زیبا و قدیمی است. در آن مردم تهگس نماز جمعه و جماعت می خوانند. کنار مسجد مقبره میر عارف واقع شده است که در منطقه بلتستان به نوبه خود یک مقبره منفرد به حساب می آید که در حال حاضر صحیح و سالم مانده است، سبک ساخت و ساز کشمیری و ایرانی باهم مخلوط شده است. این مقبره مرجع اهالیان تهگس و

اطراف آن شده است. (نوربخشی، همان: ۱۱۸)

۱۱ و ۱۲. میر یحیی و میر مختار:

دو فرزند ابوسعید، میر سید یحیی و میر مختار به منطقه شگر رفتند. در آنجا مدتی اقامت گزیدند. تا به سازش و ترفند حاکم شگر میر مختار به کریس بازگشت، لیکن میر یحیی در شگر ماند. ایشان در کل شگر هفت خانقاه و چهارده مسجد درست کردند. میر سید یحیی در منطقه شگر در زمان حکومت راجه اعظم خان در شگر خاص (سرفه کهپور) چهورکا، سوگولودو «چهورکاه» حشویی، الچوری، گلاب پور و وزیرپور به خانقاه‌های هم شکل درست کرد که در حال حاضر هم وجود دارد علاوه بر آن ایشان از منطقه سلدی تا تستی، چهارده مساجد بنا نمودند. که اکثر آنها به حالت اولیه خودش باقی مانده است. میر یحیی زندگی خودش را برای گسترش اسلام گذارند و در همین مکان در گذشت. (حسین آبادی، همان، ص ۴۸ و ۷۸) مقبره ایشان در کنار خانقاه مرکز شگر قرار گرفته است.

میر مختار در کریس اقامت گزیدند. ایشان بیست و دو خانقاه و مساجد بسیاری در منطقه درست کردند؛ مانند مناطق کریس، کورو، بلغار، تهلی، دغونی، خپلو بالا سرمو، مچولو، سکسه، پهروا، نر، سرمیک، سینو. میر مختار هیجده فرزند داشت، آنها را برای انجام خدمات دینی به مناطق مختلف بلتستان فرستاد، اکثر سادات بلتستان از نسل میر مختار می‌باشند.

میر مختار در سال ۱۱۳۷ هـ/ ۱۷۲۲ م، در منطقه کریس دارفانی را وداع گفت. مزار ایشان در منطقه کریس وجود دارد. (نوربخشی، همان: ۱۲۰) اگرچه اسلام در منطقه بلتستان و اطراف آن بخاطر تبلیغ میر سید علی همدانی، میر سید محمد نوربخش و میر شمس الدین گسترش یافته بود، اما شاه ناصر طوسی، سید علی طوسی، میر عارف ابوسعید، برای استحکام اسلام و برای پایداری تثبیت تعلیمات اسلامی خدمات فراوان انجام دادند و در استحکام اسلام و تعالیم آن نقش بسزای داشتند. (همو، ص ۱۲۲)

۶. حضرت آیت الله بحر العلوم، معروف به شیخ سلیمان: ایشان از کشور ایران به منطقه بلتستان بخاطر تبلیغ آمده بود و در منطقه باشه شگر در محله تهورگو سکونت اختیار نموده بود و در همان منطقه از دنیا رفت؛ و آستانه ایشان در منطقه تهورگو مرجع حاجتمندان و دوستداران مذهب حقه واقع شده است و در روستاهای مجاور سالانه عرس ایشان را منعقد می‌نمایند.

خود اهالی تهورگو هر سال از سه محله آن بنام ایشان یک گوسفند ذبح کرده و بین مردم پخش می‌نمایند. ایشان صاحب کرامات هم بوده است طبق گفته بزرگان آن محله وقتی ایشان

دار فانی را وداع گفت فصل بهار بود و همه زمین‌ها گندم و جو کاشته شده بودند و فصل‌ها محصولات کشاورزی بخاطر تشییع پیکر پاک ایشان آسیب دید و از بین رفت، ولی در همان سال آن فصل آسیب دیده محصول آن زمین سه برابر زیاد برداشت شد. هر حاجتمندانی که حاجتی دارند از ایشان متوسل می‌شوند و حاجت‌شان را از ایشان می‌گیرند. (مصاحبه با شیخ موسی عارفی از علماء منطقه، ۲۰۰۹م)

منطقه گلگت

منطقه گلگت تا قرن دوم هجری قمری، از نعمت اسلام محروم بوده و همه ساکنان آن بودایی بودند. در اوائل قرن دوم میلادی در زمان امام جعفر صادق (ع) و در زمان حکومت راجه شاه سوملک اول تقریباً در سال ۷۲۵م، یک سید بزرگوار بنام شاه افضل از راه منطقه بدخشان وارد سرزمین گلگت شد. این سید بزرگوار یک عالم دینی و صاحب کشف و کرامات و ولی خدا بود، با تبلیغ و پند و نصیحت ایشان راجه شاه سوملک اول، حاکم گلگت با درباریان و مردم به دایره دین مبین اسلام داخل شدند. حاکم گلگت خواهان اولاد بود. حاکم گلگت زوجات متعددی داشت ولی از آنها فرزندی به دنیا نیامده بود، یکی از روزها شاه به سید التجاء کرد که برای ایشان دعا کند که خداوند فرزندی برای ایشان عطا نماید، دعای سید به هدف خورد و مستجاب شد. یکی از زنان شاه حامله شد، بفضل رب ذوالمنن یک فرزند پسر به دنیا آورد. خوشحالی و شادمانی، همه منطقه را فرا گرفت، حاکم منطقه فرزند خودش را با تمام احترام به سید تحویل داد. سید شاه افضل اسم شهزاده را شاه ملک گذاشت. فرزند شاه سوملک اول در مکتب سید شاه افضل حصول علم کرد، وقتی شهزاده به سن شانزده سالگی رسید، شاه افضل به عمر طبیعی دار فانی را وداع گفت، راجه سوملک جسد خاکی ایشان را با عزت و احترام در قلعه گلگت به خاک سپرد، اکنون اثری از قلعه گلگت باقی نمانده است، اما زیارت‌گاه سید شاه افضل تا هنوز در پشت کشمیری بازار، مرجع خلائق واقع شده است. (دانی، ص ۳۱)

آنچه از نقل و روایت بدست می‌آید، پیام ابدی اسلام بطور غیر تبلیغی از زمان آزر جمشید کیانی که از نسل یزگرد شاه ایران بود، به این منطقه رسیده است.

آزر جمشید کیانی از راه کشمیر به منطقه گلگت آمده بود، آزر جمشید جد اعلی راجگان گلگت بوده است. اما آزر جمشید با مسائل عبادی و دینی آشنایی نداشت.

۱. سید افضل شاه، در سال ۱۰۵۵ هـ.ق، از راه بدخشان وارد گلگت شد، ایشان از راه‌های مناطق متمدن سمرقند و بخارا وارد بدخشان شده بود، در آن زمان گلگت و ملحقات آن زیر سلطهٔ راجه سوملک اول بود او پسر شاه آذر جمشید بود راجه سوملک مهربان و با انصاف بود، زمانی که او تحت تاثیر تبلیغ شاه افضل قرار گرفت و اسلام را پذیرفت وزراء و امراء و رعایا با شاه راجه سوملک اول هم دین اسلام را قبول کرده عبادات دینی را انجام دادند. قبل از اسلام مردم منطقه گلگت و اطراف آن یعنی مناطق چلاس، داریل، تراگل‌گریز، باندی پوره، هنزه، نگر، چترال، بروغل، بدخشان ستاره پرست، بودایی، هندو بودند، این گزارش مربوط به سال هزار و دویست نود ۱۲۹۰ م، است این مرد بزرگوار بخاطر تبلیغ دین اسلام مصایب و مشکلات فراوانی را تحمل کرد. در مناطق کوهستانی شمع کلمهٔ توحید را روشن کرد

۲. دومین مبلغ غیر بومی اسلام در منطقه گلگت: حضرت پیر حکیم ناصر خسرو علوی (ره) می‌باشد. ایشان در سال ۳۹۴ هجری، در قبادان بلخ افغانستان به دنیا آمد، ایشان از زمان کودکی باهوش بود به همین خاطر در نه سالگی قرآن کریم را حفظ کرد. حکیم ناصر خسرو علوی در سال ۴۸۱، دار فانی را وداع گفت. (دنیوری: ۵۸ و ۶۱) (منظور داعیان اسماعیلی است که توسط ناصر خسرو وارد این منطقه شده بودند)

۳. سومین مبلغ غیربومی در منطقه گلگت حضرت سید شاه بریا ولی (ره) می‌باشند. در زمان تبلیغ ایشان راجه شاه کمال در نگر و شاه رئیس خان اعظم در گلگت و اطراف آن حکومت می‌کردند، در زمان فرمانروایی راجه شاه رئیس خان اعظم که مصادف بود با سال ۱۵۱۲ م تا سال ۱۵۶۱ م، درمیان این مدت یک عالم بزرگ ولی‌الله سید شاه بریا ولی (ره) از شهر اصفهان ایران که در آن زمان پایتخت ایران بود، عازم سفر شد. مقبره ایشان در این روستا وجود دارد. سید شاه بریا ولی با همراه دو خادم و شاگرد خود بنام‌های ابوالحسن علی سنگ که این دو برادر حقیقی بودند، از راه هندوستان و با پشت سر گذاشتن کشمیر وارد بلتستان شد این دوران قبل از فتح کشمیر بدست پادشاه مغول اکبر اعظم بوده است. سید بریا ولی به همراه دو خادم خود از راه‌های کوهستانی برف پوش شگر به درهٔ هِسپَر نگر رسیدند. از هِسپَر نگر به محلهٔ کوشل در مرکز نگر رفتند. هنگام ورود سید بریا ولی به نگر، راجه شاه کمال بر نگر حکومت می‌کرد، خانوادهٔ راجه با حکومت مرکزی گلگت در ارتباط بود، بخاطر این ارتباط پیام توحید به خاندان راجه رسیده بود ولی مردم نگر کافر و بت پرست بودند، وقتی سید بریا ولی وارد دربار والی ریاست نگر شاه کمال شد راجه نگر از چهرهٔ نورانی سید فهمید که او یک شخصی روحانی و معنوی هست، سید را نزد

خود نشانند، بعد از استفسار حال، سید هدف آمدن خود را بیان کرد، با نهایت فصاحت و بلاغت حقانیت اسلام را در جمع عمومی بازگو نمود. با بیانی سحر انگیز و شیرین تمام حاضران دربار اعم از علماء، وزراء، امراء و مردم تحت تأثیر سخنان او قرار گرفته به اسلام گرویده و چراغ حیات بخش اسلام در دل آنها روشن شد.

ایشان مردم را با اصول دین: توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد آشنا کرد، مسائل حلال و حرام، واجب، مستحب، امر و نهی و تعالیم اساسی را به مردم یاد داد و به هدف خود رسید. (همو، ص ۶۷)

۴. چهارمین مبلغ اسلام و تشیع در گلگت: حضرت شاه سلطان علی عارف حسینی (ره) است. سید شاه سلطان علی عارف مجتهد اعلم بود، راجه گلگت غوری تههم، در دوران جوانی از این عالم ربانی زبان عربی و فارسی و علوم دیگر را فرا گرفته بود. مزار شاه سلطان علی عارف حسینی (ره) در محله دنیور وجود دارد. (همو، ص ۷۰)

۵. پنجمین مبلغ اسلام و تشیع در منطقه گلگت: حضرت سید شاه ولی تقوی (ره) است. سلسله نسب ایشان به حضرت امام تقی (ع) می‌رسد. بخاطر همین تقوی گفته شده است. وقتی سید شاه علی به منطقه هنزه رسید در آن زمان میر شاه سلیم خان بر هنزه حکومت می‌کرد و در گلگت راجه صاحب خان پسر راجه غوری تههم حکومت می‌کرد.

سال ۱۸۰۲م، آخرین دوران تبلیغ سید شاه ولی محسوب می‌شود. ایشان چند سال در هنزه اقامت کرده بعد از قصد تبلیغ عازم منطقه نگر شد و مقیم منطقه تهول نگر شد و در همان مکان درگذشت. مزار ایشان در منطقه غلمت هنوز هم وجود دارد. مردم روزهای پنجشنبه برای زیارت مرزا ایشان به آن جا مراجعه می‌کنند. (همو، ۷۴)

برخی از مبلغان متقدمین بومی منطقه بلتستان سید علی اکبر، از منطقه روندو.

شیخ جواد ناصر الاسلام، از منطقه سکردو.

حضرت آیت الله سید عباس موسوی، از منطقه شگر.

تاریخ تولد: ۱۲۴۰ه.ق، تاریخ وفات: ۱۳۱۰ه.ق.

مدفن: چهترون بلتستان، حضرت آیت الله سید محمد عباس در سال ۱۲۴۰ه.ق، مصادف با ۱۸۶۳م، در محله گول به دنیا آمد. بعد از پشت سر گذاشتن تحصیلات مقدماتی در بلتستان و کشمیر برای فرا گرفتن تحصیلات عالی در سال ۱۸۸۹م، عازم کشور عراق شد. (موسوی، ص ۲)

سید عباس موسوی هم عصر ابوالحسن اصفهانی بوده است، چونکه سید عباس (ه) به درجه

اجتهاد رسیده بود با اصرار و تاکید مجتهدین و آقای ابو الحسن اصفهانی در سال ۱۸۹۸م، به بلتستان بازگشت. (مصاحبه با سید مبارک علی شاه موسوی نوه ایشان، ۲۰۰۹)

ایشان بعد از بازگشت به بلتستان در منطقه چهترون شگر مقیم شدند. در سال ۱۹۰۰م، یک مدرسه دینی در منطقه تاسیس نمود، علاوه بر تأسیس مدرسه در مناطق مختلف مساجد و امام بارگاه تأسیس کردند و برای گسترش و تبلیغ دین اسلام و مکتب تشیع علاوه بر منطقه بلتستان به مناطق لداخ، پوریگ، استور، گلگت، هنزه و نگر مسافرت نمودند. (حسین آبادی، ب، ص ۲۷)

قبل از آمدن ایشان به منطقه چهترون، مردم این منطقه و اطراف آن، از مجتهد زنده تقلید نمی کردند و به فقه احوط سید محمد نوریخس عمل می کردند. با سعی و تلاش ایشان، مردم این منطقه از مجتهد زنده تقلید نمودند. مردم منطقه شگر اعتقاد خاصی نسبت به شاه ناصر داشته و برای زیارت قبرش می رفتند. شاه ناصر یک صوفی بود به علت وجود شائبه بت پرستی به حکم سید عباس موسوی مقبره بابا شاه ناصر منهدم شد. الآن این عقیده از بین رفته است. (مصاحبه سید مبارک علی شاه). باهمت ایشان در زمان سلطه دوگره ها قانون وراثت دخترها ترمیم شد، چونکه در آن زمان دختران حق گرفتن ارث را نداشتند و هزینه این کار را خود سید متحمل شدند و حدود مبلغ بیست و دو هزار روپیه روپیه آن زمان پرداخت نمودند، ایشان در مناطق لداخ و بلتستان بسیاری از بودایی ها را مسلمان کرده و بسیاری از اسماعیلیه ها پیر و مذهب شیعه ساختند. (حسین آبادی، ب، همان، ۲۷)

حضرت آیت الله العظمی شیخ علی بوستانی

شیخ غلام حسین از منطقه کواردو.

۵. شیخ عبدالله، از منطقه کواردو. شیخ غلام حسین و شیخ عبدالله هم عصر بودند و اولین علمای محلی منطقه بلتستان به حساب می آیند، تصنیف و کتاب سید علی اکبر به نام قاطع البرهان در سال ۱۹۱۰م، منتشر شده بود. به شیخ جواد ناصر الاسلام توسط شاه ایران (قاجار) قلب ناصر الاسلام داده شده بود، دو کتاب ایشان «بدایة الصرف و کفایة الصرف» در مدارس دینی پاکستان و ایران تدریس می شود. (حسین آبادی، ب، ص ۲۶)

نتیجه

علماء ادامه دهنده راه انبیاء و ائمه اطهار (ع) هستند و همواره برای سربلندی اسلام و مکتب ناب محمدی سعی و کوشش نموده‌اند این روحانیت و علماء بودند که دین مبین اسلام را زنده نگه داشتند آنها مانند انبیاء و اوصیاء برای حفظ و حراست آئین الهی جان خودشان از دست دادند و نام آنها در تاریخ ثبت شده است یاد و خاطره آنها ماندگار. علمای منطقه گلگت و بلتستان هم از این قاعده خارج نبودند آنها با وجود کمبود امکانات و فقر اقتصادی و نبود وسائل مسافرت و طاقت فرسا بودن مسافرت و صعب العبور بودن راه‌ها برای تحصیل علم دین، خانه و کاشانه خود را ترک کرده وارد دیار غیر شدند در آن زمان به مناطق مختلف جهان اسلام از جمله حوزه‌های علمیه لکهنوی، هندوستان، نجف اشرف مهاجرت کردند. بعد از فراگیری علوم اسلامی در حوزه‌های علمیه به اوطان خود بازگشتند و در مناطق گلگت و بلتستان مشغول تبلیغ و تدریس شدند. نماز جماعت و جمعه برپا نمودند، مساجد و حسینیه‌ها و مدارس دینیہ درست کردند، صدها نفر از مؤمنین و مؤمنات را با مسائل شرعی و دینی آشنا کرده و صدها شاگرد را تربیت نمودند. امروز گلگت و بلتستان و در هر شهرستان در هر محله و دهات و روستاها، مسجد و حسینیه و مدرسه وجود دارد. محله و روستای وجود ندارد که در آن مسجد و حسینیه وجود نداشته باشد. صدها مدرسه خوابگاهی و غیر خوابگاهی در این منطقه وجود دارد. این همه خدمات دینی، حوزه‌های علمیه، مساجد و حسینیه با سعی و تلاش و زحمات علمای دینی بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بر سرکار آمدن و استقرار حکومت دینی شیعی توسط امام خمینی (ره) و به یمن رشادت‌ها، مجاهدت‌های جوانان و شهیدان گلگون کفن، علما و مردم این منطقه تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفتند و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی مشارکت نمودند، به یمن و برکت انقلاب اسلامی ایران حوزه علمیه قم و مشهد و اصفهان و غیره فعال شد. صدها تن از تشنگان علم و معرفت وارد ایران اسلامی شده، مشغول فراگیری علوم اسلامی شدند. هنوز این روند ادامه دارد و به عنایات ویژه و توجه خاص مقام معظم رهبری آیت الله العظمی سید خامنه‌ای به حوزه‌های علمیه، نه تنها حوزه‌های علمیه در ایران بلکه در خارج از ایران فعال می‌باشد.

امروز علمای اعلام منطقه گلگت و بلتستان علاوه بر مناطق مختلف گلگت و بلتستان در خارج از منطقه، در شهرهای مختلف پاکستان و در کلان شهرها مشغول به خدمت هستند و در جاهای گوناگون حوزه علمیه تأسیس نموده، هزاران نفر را تربیت می‌نمایند، بعنوان مثال دانشگاه

الکوثر و مدرسه اهل البیت (ع) در اسلام آباد زیر نظر علامه شیخ محسن علی نجفی، مدرسه معصومین (ع) در شهر کراچی زیر نظر شیخ علی مدبری نجفی، مدرسه جعفریه پاره چنار، زیر نظر شیخ رجب علی نجفی، مدرسه علمیه المرتضی در شهر لاهور زیر نظر علامه شیخ محمد شفیع نجفی، مدرسه جعفریه کراچی زیر نظر شیخ نوروز علی، زیر پرستی سازمان محمدیه حدود شانزده مدرسه خوابگاهی و حدود چهارصد مدرسه غیر خوابگاهی در مناطق گلگت و بلتستان و کراچی و اسلام آباد و غیره زیر نظر شیخ غلام حسین نجفی اعلی الله مقامه، مدرسه علمیه النجف در شهر سکردو زیر نظر شیخ علی توحیدی و شیخ نوری، جامعه الزهراء (س) در شهر سکردو زیر نظر علامه شیخ محمد حسن جعفری.

منابع و مأخذ

۱. اوزکانی، پرویز، مروج اسلام در ایران صغیر، دانشگاه بو علی سینا، همدان.
۲. حسرت، محمدحسن، بلتستان تهذیب و ثقافت، ناشر، بلتستان بک دپو ایند پبلی کیشنز، نیا بازار سکردو، ۱۹۹۵م.
۳. حسین آبادی، محمد یوسف، بلتستان پر ایک نظر.
۴. حسین آبادی، محمد یوسف، تاریخ بلتستان، بلتستان بک دپو، سکردو، چاپ دوم، ۲۰۰۹م.
۵. مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، چاپخانه گنج، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۵ش.
۶. فیض بخش، سید شاه قاسم، رساله امامیه، مرتب و تصحیح سید نجم‌الدین ثاقب، ناشر، انجمن صوفیه نوربخشیه، لیه، لداخ، جمون و کشمیر، چاپ اول، ۲۰۱۱م.
۷. عارفی، محمد اکرم، تاریخ شیعیان پاکستان، چاپ و صحافی اسوه، ۱۳۸۵.
۸. کهویهای، پیر غلام حسن، تاریخ حسن، در بیان تاریخ سیاسی کشمیر از ازمه قدیمه تا ۱۸۸۵م.
۹. کربلایی، حافظ حسین، روضات الجنات، ج ۲.
۱۰. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۷.
۱۱. ده‌خدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۵، زیر نظر دکتر محمد معین، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ش.
۱۲. رجائی، محمد قاسم، تاریخ اسلام در بلتستان و نقش مبلغان ایرانی، پایان نامه، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی فقه، ۱۳۸۸.
۱۳. رضوی، سید اعجاز، تاثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشمیر، پایان نامه، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی فقه، ۱۳۸۴.
۱۴. الرندوی، تبتی، سید علی اکبر، قاطع البرهان، عام ستیم پریس لاهور، پاکستان، ۱۳۳۸ه.
۱۵. الشیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.

۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۵، زیر نظر دکتر محمد معین، چاپخانه دانشگاه تیران، ۱۳۴۳ ش.
۱۷. لاهیجی، شمس‌الدین محمد اسیری، اسرار الشهود، تصحیح سیدعلی آل داود، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چ اول، ۱۳۶۸ ش.
۱۸. سهروردی، غلام حسن، تاریخ بلتستان، ناشر، ویری ناگ پبلیشرز، میرپور، آزادکشمیر، ۱۹۹۲ م.
۱۹. سید حسن شاه براهین قاطعه، ناشر مصنف، شگر، چ اول، ۲۰۰۱ م.
۲۰. کشمیری، محمد علی، غلام رسول جان، تحفه الاحباب، ج ۱، ناشر، جان پبلی کیشنز.
۲۱. حیدری، کاشمیری، دکتر اکبر، تاریخ کشمیر، بهارستان شاهی، چاپ ۱۶۱۴ م.
۲۲. کشمیری، ددمری، خواجه محمد، واقعات کشمیر، اردو ترجمه، پروفیسور شمس‌الدین احمد، ناشر، جمون ایند کشمیر اسلامک ریسرچ سنتر، سرینگر، ۲۰۰۱ م.
۲۳. آفاقی، دکتر صابر، تاریخ کشمیر اسلامی عهد مین، سنگ میل پبلیشرز، چوک اردو بازار، لاهور، ۲۰۰۲ م.
۲۴. ناظم، قاضی ظهورالحسن، نگارستان کشمیر، ناشر، گلشن پبلیشرز، فیرومایل مارکیت رزیدیشن رود، سرینگر کشمیر، ۲۰۰۲ م.
۲۵. شمس‌الدین، احمد، راج ترنگی، ج ۱، ترجمه اردو، ناشر، گلشن بکس سرینگر، کشمیر.
۲۶. طه، سید محمد، سوانح حضرت حجت الاسلام و المسلمین مرحوم آقای حاج سید عباس الموسوی، البلتستانی، الچهترونی، چاپ حکمت، قم، ۱۳۷۹ هـ/ق.